

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

سیدهاشم سدید
۲۵ دسمبر ۲۰۱۵

باز هم دروغ!

تنها و تنها یک دروغ می تواند ثابت کند، که گوینده آن آدمی است که نمی شود به او اعتماد کرد. کسی که یک دروغ گفت، می تواند به سادگی هزار دروغ بگوید! آدم های دروغ گو یک عادت دیگر هم دارند، در کنار مجموعه ای از عادات بد دیگر، که هم دروغ می گویند و هم با همه لباس های شان، با دیده درائی و با بیشرمی تمام به چشم مردم می درآیند؛ به سان "هاشمیان"!

من اگر گفته ام "هاشمیان" چشم "ملا عمر"، این انسان بی فرهنگ، زن ستیز و دشمن آزادی، کسی که انگیزه و موجب اصلی کشتار هزار ها انسان بی گناه در کشور ما شده است، مانند خلقی ها و پرچمی ها و رهبرانی که خود را مجاهد می خوانند، را بوسیده است، و تا امروز به نحوی از انحاء از این جریان متعصب، خونریز، ویرانگر و آلت دست پاکستان (منحوس ترین دشمن و بدخواه افغانان و افغانستان) پشتیبانی می کند، و می خواهد میان اقوام مختلف کشور با نوشته های غرض آلود و تفرقه انداز خویش - شاید دستوری - ایجاد نفاق کند، مستمسک به اقوال و نوشته های خودش چنین حرفی را می زنی. شما مقالات وی را بخوانید، از برخی مقالات وی چنان گند تعصب و شوونیسم به مشام تان خواهد رسید که دل تان را به هم خواهد زد.

بوسیدن چشم "ملا عمر" را گذشته از این که خبر آن را در یک برنامه تلویزیونی خود نشر نموده بود، زمانی نچندان دور خودش در همین دریچه نیز اعتراف نموده است.

من اگر حرفی می زنی، آن را ثابت می کنم. ثابت می کنم که آنچه گفته ام دروغ نیست، اما "هاشمیان" چون دروغ می گوید، قادر به اثبات سخن خود نیست. می گوید: "آقای هاشم سدید" [هاشم سدید]، یک تن از مائویست های مربوط به جریان شعله جاوید... است." من از این شخص که می گوید دروغ نمی گویم و آدمی مسلمان و نواسه پیامبر اسلام هستم، می خواهم این ادعایش را به نام یک مسلمان به اثبات برساند و در این خصوص سندی، حداقل برای داوری خوانندگان خویش و داوری آقای "فاریابی" و دوستان شان ارائه کند. اگر شما، آقای "فاریابی"، در پی یافتن حقیقت و شناخت دقیق این انسان هستید، که حتماً هستید، از وی بپرسید که چه سند یا مدرکی در خصوص شعله ئی بودن من دارد؟ بحث من پیرامون شعله ئی بودن بدین معنی نیست که شعله ئی بودن بد یا کفر است، یا کسی حق ندارد شعله ئی یا سامانی و یا... باشد! بحث بر سر سه نکته است:

۱- که "هاشمیان" با این نوع برخورد خود می خواهد آزادی - چه از نظر سیاسی و چه از نظر ایدئولوژیک - دیگران را سلب کند.

۲- تثبیت این امر که او مردی است دروغ گو.

۳- ذکر این حقیقت که او به جای استدلال به تکرار مکررات پرداخته هم روز خود را گم می کند و هم روز دیگران را. نوشتن تنها در یک وبسایت سند شعله ئی بودن یا پرچمی بودن یا ... کسی نمی شود. یا تنها دید و وادید با یک شعله ئی یا... اگر این طور می بود، "هاشمیان" را باید، با دید و وادید هایش با پرچمی های صاحب صلاحیت و دارای مقام های برجسته در زمان وحشت و ترور و خون - در هالند - هم باید یک پرچمی و شریک جنایات آن ها خواند! انتقادی که من از یکی از سخنان "مائوتسه دون" نموده ام، شاید هیچ شعله ئی در تاریخ آن انتقاد را ننموده باشد. کدام شعله ئی تا امروز به چنین کاری دست زده است؟

نوشته من و انتقادی که برخی از پیروان شعله، یا شاخه های منشعب از آن، از من نموده اند، هنوز هم در برخی از پایگاه های اینترنتی موجود است. اگر خواسته باشید من آن را پیدا نموده من حیث یک سند برای اثبات دروغ و اتهام بی جای "هاشمیان" ارائه می کنم.

یکی از اعتراضات من به "هاشمیان" همین است که وقتی دعوی فضل و دانش و تحصیل داری، باید مانند یک انسان صاحب فضل و دانش و تحصیل، و مسؤول در برابر خدا و مردم و وجدان خودت، سخن بزنی، استدلال کنی و مدرک و سند ارائه کنی، نه مانند یک "سرنی چی" بی سر و بی لی فقط پف کنی، یا مانند کسی که عاشق گپ خود است، تنها گپ خود را بزنی و به آنچه دیگران می گویند اعتناء نکنی!

هیچ کدام از ما ها خدا را ندیده ایم، ولی از قرائن هر یک می دانیم، به استثنای آنانی که اصلاً به وجود خدا باور ندارند یا نمی خواهند باور داشته باشند، که باید خدائی (خواه یک نیرو، خواه انرژی، خواه یک شیء که در آغاز در اثر یک تصادف یا از روی اراده سبب به وجود آمدن هستی شده است یا...) وجود داشته باشد. با همین قیاس، من شخصاً نمی توانم با مدرک ثابت کنم که "هاشمیان" در آن زمان پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" را خوانده است یا نخوانده است، اما با شناختی که از لایه لای نوشته هایش با اخلاق و کرکتر وی پیدا نموده ام، و از آنجائی که او هر روزه به وبسایت ها و پورتال هائی که می شناسد و گاهی به آن ها نوشته فرستاده است، دست کم یک بار سر می زند - چون طوری که دیده می شود از هر خبری با خبر است -، می توانم با اطمینان بگویم که او اعلامیه پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" را در زمانش خوانده است. غیرقابل باور است که چنین شخص متشبهی طی شش ماه یک بار هم به پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" سر نزده باشد!

در نوترین نظرش در دریچه ابراز نظریات پورتال "افغان جرمن- آنلاین" از تازه ترین نوشته من یاد می کند. باید به این نکته تعمق کرد که او از کجا فهمیده است که من در آن نوشته عنوانی آقای "فاریابی" و عنوانی خودش چیز هائی نوشته ام؟ مولوی، چه زیبا گفته است: **"آفتاب آمد دلیل آفتاب/گر دلیلت باید از وی رو متاب"** همینطور است! "هاشمیان" دروغ می گوید!!

"هاشمیان" در آن زمان هم، مانند امروز، بدون تردید، هر روز بدان پورتال سر می زده است. عادت، بد چیزی است. من خودم از روزی که اولین مقاله ام را به پورتال "افغان جرمن - آنلاین" گسیل داشتم، بعداً به "گفتمان دموکراسی افغانستان" و از آن بعد به پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"، تا امروز، روزی نیست که به این سه مرجع سری نزنم - و اینک به وبسایت "آریانا افغانستان" که واقعاً خوب درخشید!

از همه بدتر! نوشته می کند: "... زیرا در حدود پنجسال قبل، یعنی پیشتر از نشر اعلان آنها، بخاطر [به خاطر] نشر مقالات ضد اسلام و ضد وحدانیت در وبسایت آنها، رسماً [رسماً] و با ارسال یک اعتراضیه با وبسایت مذکور قطع مراوده کرده بودم..."

من از آقای "فاریابی"، دوستان شان، و از تمام خوانندگان این نگارش صمیمانه خواهش می کنم که یک بار به پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" مراجعه کرده چوکات "آرشیف نویسندگان و موضوعات" را کلیک کنند و بعد از آن در ردیف "ه" نام "هاشمیان" را؛ و ببینید که یازده مقاله وی که در آنجا موجود است به کدام تاریخ ها نوشته شده است (مقالات قبلی وی را شاید برداشته اند). از پنج ماه می همین سال عیسوی به بعد!

"هاشمیان" می گوید که از پنج سال و به خاطر نشر مقالات ضد اسلام و ضد وحدانیت به این پورتال مراجعه نکرده است. اگر چنین است، این همه مقاله - یازده مقاله - به قلم وی چگونه در این پورتال رسیده و نشر شده است؟ بروید، لطفاً، و ببینید که آیا این سخن صحیح است یا نه و قضاوت کنید که این انسان چگونه انسانی است؛ و آنچه من در باره وی می گویم درست است، یا نه! دروغ شاخ دارد، یا دم؟! این استاد ادبیات فراموش کرده است، یا شاید هنوز این شعر را با وجودی که خود را استاد ادبیات دری می خواند، ندیده است که می گوید:

دروغ آدمی را کند شرمسار/دروغ آدمی را کند بی وقار/راستی موجب رضای خداست/کس ندیدم که گم شود از راه راست! و به عنوان یک مسلمان گاهی برای کسب رضای خدا هم که شده است نمی خواهد راست بگوید!

ولی چون در بالا خانه "هاشمیان" کس نیست، هزار حرف هم اگر بار بار گفته آید، حتا اگر به سودش هم باشد، برایش بس نیست!

نه تنها این که، خلاف سخنان امروزی اش، طی این مقالات پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" را "پورتال وزین" نیز می خواند!! و به آقای "معروفی" نوشته می کند: "عمرت دراز باد دانشمند معروفی". این لقب را شاید چند باری به من هم داده بودند. درحالی که من از سالیان درازی است که از خرافات دین و برخی مطالب و نظریات دیگر ادیان نقد می کنم. اگر او واقعاً با این مقالات و نویسنده آن، یعنی به من، معترض می بود، چرا بعد از آن قطع رابطه اعتراضی من را دانشمند نامیده است؟! "هاشمیان" می خواست، از آن انبان کشادش، به آقای "معروفی" هم لقب "استادی" را اهداء کند، ولی آقای "معروفی" این اعطایش را به لقاییش بخشید!

یک نمونه از اعتراضات من پیرامون دین:

عیسویان به این باور اند که خداوند با قربانی کردن "حضرت عیسی" - پسرش - خواست همه گناهان انسان ها را ببخشد. من نمی پرسم که چه لزومی داشت که خدای قادر و توانا برای بخشیدن گناهان انسان پسرش را قربانی کند؟ و هم نمی گویم که آیا او نمی توانست بدون قربانی کردن پسرش گناهان انسان ها را ببخشد و...؟ اما می پرسم، از کسانی که چنین تفکری را تبلیغ می کنند، از متدینین، که این بخشش شامل همه انسان ها، انسان هائی که قبل از به صلیب کشیده شدن "حضرت عیسی" مرتکب گناه شده بودند و انسان هائی که بعد از به صلیب کشیده شدن وی، تا روز رستاخیز مرتکب گناه می شوند، می گردد؟

اگر تنها شامل کسانی می شود که قبل از این قربانی مرتکب گناه شده اند، انسانان بیچاره و بدبخت دیگری که بعد از این قربانی هست شده اند و دست به ارتکاب گناه زده اند، چه گناهی را مرتکب شده اند که این مرحمت خداوندی شامل حال آن ها نمی گردد؟ و اگر با قربانی "حضرت عیسی" همه انسان ها از زمان پیدایش "بابای آدم" تا زمانی که به صوراسرافیل دمیده می شود، پس طرح موضوع آتش و جهنم و عذاب و عقاب در دین برای چیست؟

چنین بحث های اعتراضی را با چنین استدلال ها، البته برپایه تعالیم دین اسلام که می گوید نه خدا کسی را زاده و نه از کسی زاده شده است، و سائر ادیان، من به راه می اندازم، تنها برای این که انسان ها با تعقل و با خرد با مسائل، چه دینی و چه غیردینی، برخورد کنند. اعتراض من به تفکر بی بنیاد انسان ها در ارتباط با خداست، نه به خدا!

"هاشمیان" من را ملحد می خواند، اما نمی داند که معنی ملحد چیست؟ ملحد از دید اسلام به کسی می گویند که بت پرست باشد، یا منکر خدا! آیا "هاشمیان" گاهی من را در حین بت پرستی دیده است؟ یا در جایی خوانده است که من تبلیغ بت پرستی نموده باشم؟ یا دیده است که روزی به کلیسایی یا درمسال و یا مندر و بت خانه ای رفته باشم؟ پس به چه دلیل "هاشمیان" حکم می کند که من ملحدم؟ گذشته از این که بت پرست نیستم، بارها نوشته ام که من انسان خداپرست هستم، منتها خدائی را که صاحب پسر باشد، خدائی را که رحیم و رحمان نباشد، خدائی را که غیر از گرفتن انتقام به چیزی فکر نکند، خدائی را که به قربانی و خون و کشتن و تسلیمی محض شاد گردد، خدائی را که میان مخلوقات خودش فرق بگذارد، خدای طالب و داعش و النصره و... را به خدائی قبول ندارم! خدای من مجرد، یعنی بی همسر و بی فرزند و...، و رحمت محض است که هیچ گاهی به کشتن حکم نمی کند و مروج رنج و اندوه نیست!

برگردیم به اصل موضوع:

اگر قطع رابطه هاشمیان با پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" حقیقتاً به خاطر آن مقالات و به شکل اعتراض بوده است، چرا بعد از گذشت کم و بیش چهار سال دو باره به این پورتال - که هیچ تغییری در سیاست نشراتی اش نداده است و هنوز هم در کنار مقالات دینی مقالات غیردینی و ضددینی در آن، به عنوان پایگاه نشراتی که به امر آزادی بیان اعتقاد دارد، نشر می گردد - بر گشته و بازهم مقاله نوشته است؟ و اگر پورتال مذکور یک پورتال بااهمیت و گرانتقد و متین و گرانسنگ، یعنی "وزین" نیست، چرا آن را "وزین" خوانده است؟ و اگر آقای "معروفی" و من انسان های احمقی هستیم، چرا در آن ایام ما را "دانشمند" و... می خواند؟ کلمه ای که من بارها نوشته ام اصلاً نمی توان به انسان اطلاق کرد!! زیرا دانش انسان در برابر عظمت هستی و خدای در حدی نیست که بتوان او را صاحب دانش خواند!! از همه مهم تر این سؤال که اگر این پورتال بیننده و خواننده ندارد، "هاشمیان" چه گفته مقالات "ارزشمند"ش را به یک پایگاه نشراتی که هیچ خواننده ندارد، می فرستد؟ از این کار "هاشمیان" معلوم می شود که یا او از روی حسادت و خبث نیت و عادت به دروغ گوئی که دارد، دروغ می گوید؛ یا این که دیوانه است، زیرا تنها دیوانه ها مقالات خود را به جایی می فرستند که می دانند آن مرجع هیچ خواننده ای ندارد!!

در مورد استعمال کلمات ناشائست، شما مقاله او را که در وبسایت "تول افغانستان" نشر شده و در آرشیف این وبسایت موجود است بخوانید؛ و مقالات من را هم! بعد قضاوت کنید که کدام مقالات بیشتر با کلمات مستهجن نوشته شده اند. من تنها در یک نوشته یک کلمه را که شائسته نوشتن نبود، نوشته بودم که فردای آن از نوشتن آن از همه خوانندگان معذرت خواستم. شما یک بار، مانند آقای "بیکمراد" به او انتقاد کنید، بعد ببینید که کلام وی در مورد شما - که اکنون بی نهایت محترمانه است - چگونه تغییر می کند!

"هاشمیان" اصلاً انسان انتقاد پذیر نیست. البته در این اواخر، شاید زیر فشار برخی افراد، از روی ناگزیری کمی تغییر نموده باشد، اما با آنهم، زبان درشت و روح ستیزه جو و چالش گر و حوصله بسیار بسیار تنگ دارد؛ و خیلی نابردبار می باشد!

من شخصاً با کسی دشمنی ندارم. هدف من همواره تنها و تنها گفتن حقیقت و روشنگری است. و حقیقت این است که، طوری که از روح نوشته های "هاشمیان" ادراک می گردد، او قلباً آدم به پوست پاکی نیست!

بیشتر از این باعث زحمت و در سر نمی شوم.

۲۰۱۵/۱۲/۲۳

یادداشت:

اغلاط املانی "هاشمیان" از طرف ویراستاران پورتال با رنگ سرخ مشخص شده است.

اداره پورتال AA-AA